

## دیوان کیفری بین المللی و پیگرد رئیس جمهور سودان در رابطه با بحران دارفور

محمد جواد حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده

تجربه تلخ جنگ و درگیری، کشتار و خونریزی در ابعاد جهانی باعث شد تا بعد از جنگ جهانی دوم، جامعه جهانی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی چاره ای اساسی بیاندیشد؛ با تشکیل سازمان ملل متحد، دیوان بین المللی دادگستری به عنوان نهاد قضایی دائمی سازمان ملل صلاحیت یافت تا دعاوی میان کشورها را رسیدگی کند و به حل و فصل اختلافات بین دولت ها براساس حقوق بین الملل بپردازد تا از این طریق به جنگ و خونریزی پایان داده و یا از بروز آن پیشگیری کند. اما جامعه جهانی کماکان شاهد جنایات جنگی، جنایات بر ضد بشریت و نسل کشی است و از طرفی هم صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری رسیدگی به دعاوی میان دولت ها و کشورها است، لذا لازم بود دیوانی بین المللی تشکیل شود تا به جنایات های جنگی و اقدامات خصمانه علیه بشریت رسیدگی

دادستان دیوان کیفری بین المللی بر اساس ماده ۵۸ اساسنامه دیوان، با صدور بیانیه ای عمر البشیر رئیس جمهور سودان را به نسل کشی؛ جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی در دارفور متهم ساخت و از قضات این دادگاه خواست تا رئیس جمهور سودان را به خاطر این اتهامات تحت پیگرد قانونی قرار داده و حکم بازداشت وی را صادر نمایند. مقاله حاضر می کوشد تا حدی به وجهه حقوقی این جریان بپردازد.

**واژگان کلیدی:** دیوان کیفری بین المللی، سودان، بحران دارفور،

سازمان ملل، جرم

#### مقدمه

تجربه تلخ جنگ و درگیری، کشتار و خونریزی در ابعاد جهانی باعث شد تا بعد از جنگ جهانی دوم، جامعه جهانی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی چاره ای اساسی بیاندیشد؛ با تشکیل سازمان ملل متحد، دیوان بین المللی دادگستری<sup>۲</sup> به عنوان نهاد قضایی دائمی سازمان ملل صلاحیت یافت تا دعاوی میان کشورها را رسیدگی کند و به حل و فصل اختلافات بین دولت ها براساس حقوق بین الملل بپردازد تا از این طریق به جنگ و خونریزی پایان داده و یا از بروز آن پیشگیری کند. اما جامعه جهانی کماکان

<sup>2</sup> -International Court of Justice

در پایان سده بیستم میلادی به عنوان قرنی که شاخصه آن ثبت وقوع جنگ‌های خونین در تقویم تاریخ بشری، از جنگ‌های عالم گیر گرفته تا جنگ‌های داخلی که این نوع اخیر حکایت از قساوت و بی‌رحمی بیشتر حکومتها در قبال نوع بشر می‌باشد، شاهد تلاشی برای برپایی یک سازمان بین‌المللی با هدف گسترش عدالت بودیم. در ۱۷ جولای ۱۹۹۸ میلادی ۱۶۰ نماینده دولتهای جهان در شهر رم گردهم آمدند تا اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را که به این نهاد اختیار می‌داد تا مباشران و مسببین جنایت‌های جنگی و جنایت‌های علیه بشریت را محاکمه و مجازات کند، امضاء نمایند. دیوان کیفری بین‌المللی پس از گذشت چهار سال از امضای اساسنامه‌اش، در اول جولای سال ۲۰۰۲ میلادی با لازم‌الاجراء شدن اساسنامه، پا به عرصه وجود گذارد. ظهور نهاد تازه از چنان اقبالی در جامعه بین‌المللی برخوردار شد که شمار کشورهایی که به عضویت آن درآمدند از زمان امضاء تاکنون به ۱۰۶ کشور رسیده

**قضات دیوان کیفری بین‌المللی:** مجموعه قضات دیوان ۱۸ نفر هستند که برای یک دوره کاری سه، شش و نه ساله انتخاب می‌شوند. انتخاب قضات وظیفه‌ای است که مستقیماً توسط اساسنامه بر عهده مجمع دولت‌های عضو نهاده شده است. در انتخاب قاضی برای دیوان کیفری بین‌المللی چند تخصص را می‌بایستی در نظر گرفت. در حقیقت قضات از میان دو فهرست انتخاب شده اند: فهرست الف) قضاتی با شایستگی محرز شده در حقوق جزا و آیین دادرسی و کارشناسی مناسب مورد نیاز، خواه به عنوان قاضی، دادستان یا وکیل یا در هر صلاحیت مشابه در دادرسی جزایی. فهرست ب) قضاتی با شایستگی محرز در قلمرو حقوق بین‌الملل مانند حقوق بشردوستانه و قوانین حقوق بشر و خبرگی مربوط به صلاحیت قضایی حرفه‌ای که مربوط به کار قضایی دیوان است.<sup>۳</sup> مسأله بعد خصوصیتی است که برای قضات مدنظر می‌باشد. از میان خصایص قضات مهم‌ترین خصلت شرطی است که طی آن هر قاضی منتخب بایستی در کشور بتواند خود متصدی عالی‌ترین مقامات قضایی را بر عهده بگیرد. بر این اساس،

<sup>۳</sup> تا اول ژوین ۲۰۰۸ میلادی ۱۰۶ کشور به عضویت دیوان کیفری بین‌المللی درآمدند که از این تعداد ۳۰ کشور آفریقایی، ۱۳ کشور آسیایی، ۱۶ کشور از اروپای شرقی، ۲۲ کشور از آمریکای لاتین و کارائیب، ۲۵ کشور از اروپای غربی می‌باشند.

<sup>۴</sup> البته همه قضات دارای تابعیت کشورهای عضو هستند. ترکیب کنونی قضات به این ترتیب است: هفت نفر از گروه کشورهای اروپای غربی و دیگر کشورها، چهار نفر از گروه کشورهای امریکای لاتین و کارائیب، سه نفر از گروه کشورهای آسیایی، سه نفر از گروه کشورهای آفریقایی و یک نفر از اروپای شرقی. این قضات که در مذاکرات سوم تا هفتم فوریه ۲۰۰۳ میلادی در نیویورک انتخاب شدند یازده نفر مرد و هفت نفر زن هستند.

**دادستان دیوان کیفری بین‌المللی:** دادستان عضوی مستقل بدین معناست که هیأت رئیسه نمی‌تواند در امور مربوط به او دخالت کند. وظایف خاص و مهمی بر عهده او گذارده شده و مستقیماً نیز توسط مجمع عمومی انتخاب می‌گردد. نکته جالب توجه دیگر در مورد دادستان لزوم انتخاب او توسط اکثریت مطلق دولت‌های عضو است. منصب دادستانی، سمتی قدرتمند است که می‌تواند رأساً تحقیقات و پیگرد جرایمی را که در حوزه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد، آغاز نماید. وی همچنین می‌تواند چند معاون و مشاور داشته باشد. دادستان که برای یک دوره ۹ ساله انتخاب می‌شود، می‌بایستی بر طبق اساسنامه از متخصصین حقوق کیفری باشد که با توجه به سمت و وظایف او این موضوع قابل درک است.

آقای لویس مونرنو اوکامپو<sup>۵</sup> تبعه کشور آرژانتین در ۱۶ جون ۲۰۰۳ میلادی پس از ادای سوگند براساس ماده ۴۵ اساسنامه رم، عهده دار پست دادستانی در دیوان کیفری بین‌المللی شد. نامبرده از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۲ میلادی به عنوان دادستان در نظام حقوقی آرژانتین در رسیدگی به اتهامات فرماندهان ارشد نظامی این کشور که متهم به کشتار، شکنجه و نقض گسترده حقوق بشر در سالهای حکومت نظامیان در آرژانتین از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ میلادی موسوم به پرونده "جنگ کثیف"، نقش داشته و جزء دادستانهای سرشناس و خوش نام در این کشور بوده است. وی در پرونده رسیدگی به فساد اداری و مالی، جنایات جنگی (مربوط به جنگ مالویناس) و بسیاری دیگر از پرونده های مهم به عنوان دادستان حاضر بوده است.

<sup>5</sup>-Luis Moreno Ocampo

**حوزه صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری:** بر اساس بند ۱ ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان در رابطه با مهمترین جرایمی که مایه نگرانی جامعه بین‌المللی است صلاحیت رسیدگی دارد. بر مبنای مواد ۶ و ۷ و ۸ اساسنامه رم، دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند نسبت به ۱- نسل‌کشی<sup>۶</sup>، ۲- جنایت علیه بشریت<sup>۷</sup>، ۳- جرایم جنگی<sup>۸</sup> و ۴- جنایت تجاوز<sup>۹</sup> برشمرده شده، به تحقیق و بررسی و دادن حکم بپردازد. با این حال به طور کلی جنایاتی چون تجاوز، تروریسم و موادمخدر مورد توافق مجمع عمومی دیوان قرار گرفته است ولی در مورد مصادیق آن هنوز اجماعی حاصل نشده است. در نتیجه در حال حاضر، دیوان در مورد ۳ دسته از جنایات می‌تواند اعمال صلاحیت بکند. علاوه براین، باید عنوان داشت که به موجب ماده ۲۹ اساسنامه دیوان جنایات مذکور مشمول مرور زمان نخواهد شد.

در جریان تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان مورد پذیرش قرار گرفت. این اصل در جریان مذاکرات مقدماتی چندان روشن نبود. با این حال نهایتاً در کنفرانس دیپلماتیک با اکثریت مطلق به تصویب رسید. به موجب این اصل محاکم ملی مسئولیت اصلی در تحقیق و تعقیب جنایات بین‌المللی موضوع صلاحیت دیوان را دارا می‌باشند و در صورت عدم تمایل یا توانایی و یا نبود دستگاه قضایی مستقل و کارآمد، دیوان کیفری بین‌المللی مبادرت به اعمال صلاحیت خواهد کرد. این موضوع در مقدمه، ماده ۱ و ماده ۱۷ اساسنامه رم مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین طبق این اصل اساسی دیوان کیفری بین‌المللی مکمل محاکم ملی

<sup>6</sup>-Genocide

<sup>7</sup>-Crimes Against Humanity

<sup>8</sup>-War Crimes

<sup>9</sup>-Aggression

**نحوه رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی:** اگر دولت صالح در حال رسیدگی به یک موضوع باشد یا قبلاً قرار منع پیگرد توسط دولت صادر گردیده باشد و یا در اختتام رسیدگی قضیه، اعتبار امر مختومه را بیابد دیگر دیوان صلاحیت رسیدگی را نخواهد داشت. می‌توان دریافت اولین شرط رسیدگی در دیوان، صرف‌نظر داوطلبانه دولت‌ها از رسیدگی به دعوا و واگذاردن این مسوولیت به عهده دیوان می‌باشد. این اصل نشان می‌دهد که دیوان در مورد هیچ مسأله‌ای صلاحیت ابتدایی نداشته و به صورت تکمیلی عمل می‌نماید. حتی اگر دولت مایل به رسیدگی به قضیه در دیوان باشد باز امکان رسیدگی در دیوان به صورت کامل ایجاد نخواهد شد. زیرا لازم است کشوری که جرم در قلمرو آن یا به وسیله تبعه آن انجام شده عضو کنوانسیون باشد یا اینکه صلاحیت دیوان را پذیرا گردد. صلاحیت اصلی رسیدگی بر عهده دولت‌ها است و این خود آنها هستند که اگر صلاح دانستند موضوع را به دیوان ارجاع خواهند داد. با این حال، یک استثناء وجود دارد. اگر دیوان احراز کند دولتی مایل یا قادر به رسیدگی نیست می‌تواند موضوع را رأساً مورد توجه قرار دهد، حتی اگر اعتبار امر مختومه نیز در آن قضیه واقع شود، یعنی مهم این است که دولت بتواند و بخواهد رسیدگی نماید. بنابراین:

**اول) بتواند:** دولت زمانی می‌تواند به قضیه‌ای رسیدگی جزایی کند که نظام قضایی موجود در آن قدرت لازم را داشته و بتواند ضمن دستگیری و اخذ دلایل و اجرای دقیق

دوم) **بخواهد**: ممکن است دولتی مایل باشد تا با مصون ساختن متهم، او را از قید مجازات برهاند. تأخیر در امر رسیدگی نیز می‌تواند اگر به نحو ناعادلانه و غیرقانونی باشد نشان بدهد که دولتی مایل به رسیدگی نیست. حتی عدم رعایت بی‌طرفی نیز ممکن است نشان دهد که دولت تمایلی به دادگاهی نمودن شخص ندارد. در این صورت نیز دیوان راساً دست به کار می‌شود ولی مرجع تشخیص تمایل و قدرت رسیدگی توسط هر دولت عضو کیست؟ این مرجع طبق نظر اساسنامه دیوان است و می‌تواند راساً نسبت به قابل پذیرش بودن یا نبودن تصمیم‌گیری نماید.

**دیوان کیفری بین‌المللی و کشورهای آفریقایی**: از زمان شکل‌گیری دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ میلادی تاکنون، ۳۰ کشور آفریقایی به عضویت این دیوان درآمده‌اند که اولین آنها کشور بوركینافاسو در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۸ میلادی و آخرین آنها نیز کشور ماداگاسکار در ۱۴ مارس ۲۰۰۸ میلادی بوده است. در حال حاضر چهار پرونده از قاره آفریقا در دیوان مطرح می‌باشد که عبارتند از: پرونده جمهوری دموکراتیک کنگو (طرح شده در ژانویه ۲۰۰۴ میلادی)، پرونده اوگاندا (طرح شده در فوریه ۲۰۰۴ میلادی)، پرونده جمهوری آفریقای مرکزی (طرح شده در ژانویه ۲۰۰۵ میلادی) و پرونده دارفور سودان (طرح شده در فوریه ۲۰۰۵ میلادی). شایان ذکر است که سه مورد اول توسط کشورهای عضو دیوان کیفری بین‌المللی بدان ارجاع شده است و مورد چهارم یعنی قضیه دارفور سودان توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد براساس قطعنامه ۱۵۹۳ در ۲۰۰۵ میلادی به دیوان ارجاع گردیده است. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی پس از بررسی صلاحیت و درستی قضایای ارجاع شده، رسیدگی به سه قضیه اوگاندا، جمهوری دموکراتیک کنگو و دارفور سودان را آغاز کرد. در ۸ جولای ۲۰۰۵ میلادی، دیوان کیفری بین‌المللی اولین حکم بازداشت را در ارتباط با قضیه اوگاندا

در حال حاضر رییس دیوان کیفری بین‌المللی از کشور کانادا و معاون اول وی خانم آکوا کنهیا<sup>۱۰</sup> از کشور غنا می‌باشد. وی قبل از تصدی این مقام، رئیس دانشکده حقوق غنا بوده است. علاوه بر ایشان؛ دو قاضی دیگر نیز از کشورهای آفریقای جنوبی و مالی به عنوان نمایندگان قاره آفریقا در این دیوان حضور دارند.

### دیوان کیفری بین‌المللی و کشور سودان

دادستان دیوان کیفری بین‌المللی مستقر در لاهه روز دوشنبه ۱۴ جولای ۲۰۰۸ میلادی (۲۴ تیر ۱۳۸۷) بر اساس ماده ۵۸ اساسنامه دیوان، با صدور بیانیه ای عمر البشیر رئیس‌جمهور سودان را به نسل‌کشی؛ جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی در دارفور متهم ساخت و از قضات این دادگاه خواست تا رئیس‌جمهور سودان را به خاطر این اتهامات تحت پیگرد قانونی قرار داده و حکم بازداشت وی را صادر نمایند. براساس آخرین اظهارات دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در تاریخ ۱۴ جولای ۲۰۰۸ میلادی (۲۴ تیرماه ۱۳۸۷)، وی پس از سه سال بررسی، به این نتیجه رسیده است که آقای عمر البشیر رئیس‌جمهور سودان دارای مسئولیت کیفری در قبال: **نسل‌کشی**؛ براساس ماده ۶ اساسنامه رم که شامل الف) کشتن اعضای گروه قومی فور، ماسالیت و زغاوه<sup>۱۱</sup> ب) ایجاد صدمات جسمانی و فکری به اعضای گروه های قومی مذکور ج) تحمیل عمدانه شرایط زندگی بر افراد این گروه ها به گونه ای که نتیجه آن وارد نمودن

<sup>10</sup> Akua Kuenyehia

<sup>11</sup> Fur, Masalit and Zaghawa

البته دادستان ادعا نمی کند که عمر البشیر این جرایم را شخصاً یا بطور مستقیم انجام داده، بلکه معتقد است که او براساس بند ۳ ماده ۳۵ اساسنامه رم ( مبنی بر ارتکاب غیر مستقیم جرم یا ارتکاب جرم با استفاده از وسیله دیگر)، این جنایات را از طریق اعضای دستگاه های حکومتی سودان همچون ارتش و شبه نظامیان جنجويد انجام داده است. براساس دادخواست کیفری ارایه شده علیه رئیس جمهور سودان، دادستان از زمان آغاز رسیدگی به پرونده دارفور سودان اظهارات و شواهد زیادی را طی ۱۰۵ ماموریتی که در ۱۸ کشور هدایت کرده بود، جمع آوری نموده است. دادستان دیوان کیفری بین المللی برای تنظیم و ارایه دادخواست خود علیه رئیس جمهور سودان، به منابع ذیل استناد کرده است<sup>۱۲</sup>: (۱) اظهارات شاهد که از شاهدین عینی و قربانیان حملات در دارفور کسب شده است؛ (۲) مصاحبه های ضبط شده مقامات دولتی سودان؛ (۳) اظهارات کسب شده از افرادی که دارای اطلاعاتی از فعالیتهای مقامات و نمایندگان دولت سودان و شبه نظامیان جنجويد در درگیری های دارفور بودند؛ (۴) اسناد و اطلاعات دیگری که توسط دولت سودان براساس درخواست دادستان دیوان

۱- اوکامپو هم چنین خاطر نشان کرده که وی به دنبال دیگر پرونده های جرایم جنگی در دارفور است که این پرونده شامل اتهام ها علیه دو فرمانده شورشیان است که دستور انجام حملات علیه صلحبانان را در دارفور صادر کرده بودند. وی گفت، به دنبال پرونده ای علیه دو فرمانده شورشیان هستند که گفته می شود عامل اصلی حملات در پایگاه نظامی هاسکانیتا در دارفور بودند. بر اثر این حمله ۱۰ سرباز اتحادیه آفریقا کشته شدند و یک تن دیگر ناپدید شد.

براساس دادخواست دادستان، شعبه ۳ بخش تحقیقات مقدماتی<sup>۱۴</sup> دیوان کیفری بین‌المللی که شامل سه قاضی به نام خانم اکوا کنهیا<sup>۱۵</sup> از کشور غنا، خانم سیلویا استینر<sup>۱۶</sup> از کشور برزیل و خانم آنیتا اوزاکا<sup>۱۷</sup> از کشور لتونی می باشد مسئول بررسی ادله ارایه شده در خصوص اتهامات وارده بر رئیس‌جمهور سودان گردید که روند بررسی معمولاً ۲ الی ۳ ماه طول خواهد کشید.

**اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی بر اتباع کشورهای غیر عضو همانند سودان:**  
صلاحیت دیوان در این گونه موارد در دو وضعیت قابل تصور است. نخست هنگامی که جرم توسط تبعه یک دولت غیر عضو در سرزمین دولت عضو انجام شده است که صلاحیت سرزمینی دولت عضو موجب صلاحیت دیوان نیز می شود. در این مورد، دیوان به نحو تکمیلی صلاحیت دارد اما این تکمیلی بودن فقط نسبت به دولت عضو است و نه نسبت به دولت غیر عضوی که احتمالاً بابت صلاحیت شخصی، بخواهد قوانین کیفری خود را علیه تبعه اش اعمال کند. با وجود این، در صورت محاکمه عادلانه و قانونی در کشور غیر عضو، اصل منع محاکمه مجدد در میثاق حقوق مدنی و سیاسی مانع اعمال صلاحیت دولت عضو و دیوان کیفری بین‌المللی خواهد بود. البته موافقت نامه های

---

13 -Opcit.

14 -Pre-trial branch

15 -Akua Kuenyehia

16 -Sylvia Steiner

17 -Anita Usacka

وضعیت دیگر زمانی است که قضیه ای از شورای امنیت سازمان ملل متحد به دیوان ارجاع شود، مانند نمونه ای که در قطعنامه ۱۵۹۳ شورای امنیت درباره سودان مشاهده شد. به موجب این قطعنامه مورخ ۳۱ مارس ۲۰۰۵ میلادی، شورای امنیت سازمان ملل متحد برای نخستین بار با استناد به فصل هفتم منشور ملل متحد و ماده ۱۳ اساسنامه، وضعیت «دارفور» سودان را به دیوان کیفری بین المللی ارجاع داد. این درحالی بود که سودان، عضو دیوان نبود. در این گونه موارد به نظر می رسد دادستان نیازی به احراز عدم تمایل یا عدم توانایی دولت ندارد و این شرط (صلاحیت تکمیلی) فقط در مورد کشورهای عضو \_ آن هم نه در مواردی که شورای امنیت قضیه ای را به دیوان ارجاع داده باشد \_ اعمال می شود.

مساله چگونگی رابطه شورای امنیت سازمان ملل متحد با دیوان کیفری بین المللی از مهمترین مسایل مورد بحث اساسنامه بوده است شورای امنیت به پشتوانه اختیاراتی که در حفظ صلح و امنیت بین المللی به موجب منشور به عهده دارد در سالهای اخیر اقدام به تاسیس دو دادگاه کیفری بین المللی یعنی دادگاه یوگسلاوی سابق و دادگاه رواندا

معمولاً رسیدگی به قضیه ای در دیوان کیفری بین‌المللی از سه طریق صورت می‌پذیرد: (۱) کشور عضو دیوان کیفری بین‌المللی موضوع را برای بررسی به دیوان ارجاع دهد. (۲) شورای امنیت سازمان ملل متحد براساس اساسنامه رم موضوعی را به دیوان ارجاع دهد که قضیه دارفور سودان نیز در این قالب می‌باشد. ایالات متحده آمریکا هرچند عضو دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌باشد و حتی امضای خود را پس گرفته است اما در تصمیم شورای امنیت برای ارجاع پرونده دارفور به دیوان نقش اصلی را ایفاء نموده است. (۳) دادستان دیوان کیفری بین‌المللی راساً بررسی موضوعی را در دستور کار قرار دهد.

سازمان ملل متحد به منظور رسیدگی به پرونده دارفور سودان قبل از ارجاع موضوع به دیوان کیفری بین‌المللی، یک گروه حقیقت یاب تشکیل داد که به دنبال تحقیقات بعمل آمده ۵۳ نفر به عنوان متهم شناسایی شدند. وقتی موضوع به دیوان ارجاع شد دیوان بر اساس رویه حقوقی عدم دوبار محاکمه یک مجرم، موضوع را از طریق مراجع قضایی سودان دنبال نمود و دولت سودان مجبور شد تا دو دادگاه ویژه در این خصوص تشکیل دهد.

### منطقه دارفور سودان آزمونی برای اقدام جدید دیوان کیفری بین‌المللی

دارفور، منطقه ای بسیار محروم و فقیر واقع در غرب کشور سودان است که وسعت آن حدود ۵۰۰ هزار کیلومتر مربع می باشد. حدود ۵ میلیون نفر از جمعیت ۳۵ میلیونی سودان در این منطقه زندگی می کنند و تقریباً همه مردم دارفور مسلمان می باشند. دارفور قبل از پیوستن به سودان در سال ۱۹۱۶ میلادی، سرزمینی مستقل بوده که همواره در برابر هجوم قدرت های بزرگ روزگار خود، پایداری می کرده است. در این منطقه یک مملکت اسلامی به نام مملکت اسلامی دارفور در سال ۱۴۴۵ میلادی تاسیس شد. این مملکت صاحب تمدن و فرهنگ غنی بوده و در نشر تعالیم اسلامی در منطقه به ویژه منطقه ساحل و صحرای آفریقا نقش برجسته ای داشته است. مدارس قرآنی این منطقه که به خلایق معروف است نقش کلیدی را در ترویج فرهنگ و علوم قرآن در منطقه داشته است. ارتش استعمارگر انگلیس در سال ۱۹۱۶ میلادی با بکارگیری سلاحهای غیر متعارف که از لحاظ بین المللی ممنوع بود، از راه هوا به این منطقه حمله نموده و دولت اسلامی دارفور را ساقط کرد.

منطقه دارفور از لحاظ اداری به سه ایالت شامل: ایالت شمالی به مرکزیت فاشر، ایالت غربی به مرکزیت جنینه و ایالت جنوبی به مرکزیت نیالا، تقسیم شده است. ساکنین دارفور به دو گروه نژادی عرب(در شمال) که غیر مستقر و کوچنده هستند

بحران این منطقه که از اوایل سال ۲۰۰۳ میلادی آغاز شد، باعث کشته شدن بیش از ۳۰۰ هزار نفر و آواره شدن بیش از ۲ میلیون نفر گردید، ریشه در برخی عوامل که بخشی از آن تاریخی و برخی دیگر نیز مربوط به سالهای اخیر است، دارد. به اعتقاد آگاهان سیاسی، خشکسالی پی در پی و پیامدهای آن، منازعات قبیله ای بر سر چراگاهها، آب و زمین، غارت های مسلحانه و یورش به روستاها همزمان با خشکسالی دهه ۱۹۸۰ میلادی، اختلاف و تضاد بین دو گروه نژادی اعراب و آفریقایی سیاه در دارفور، بی مهری حکومت نسبت به دارفوری‌ها، عدم بهره مندی دارفوری‌ها از ثروت و قدرت، عقب ماندگی از روند توسعه کشور، حمایت دولت از اعراب منطقه و چشم پوشی از خواسته های سیاهان دارفور، دامن زدن به اختلافات قومی در دارفور از سوی کشورهای چاد و آفریقای مرکزی، وجود منابع عظیم نفت و گاز و عدم توانمندی دولت در بهره برداری از آن، صلح جنوب و کوتاه آمدن دولت مرکزی در مقابل خواسته های جنوبی ها، الگو برداری دارفوری‌ها از روند صلح جنوب و نیز اقدام دولت مرکزی در مسلح کردن گروهی عرب تبار تحت عنوان "جنگویدها" و عملکرد خشونت آمیز آنان که موجبات نارضایتی و بدبینی مردم نسبت به دولت را فراهم کرد، از جمله عوامل تاریخی و معاصر ریشه های بحران در دارفور عنوان شده است.

پس از اوج گیری بحران دارفور، دولت مرکزی تلاش کرد از بین المللی شدن بحران جلوگیری کرده و مانع از دخالت کشورهای غربی در این بحران شود اما ابعاد انسانی و مادی بحران چنان گسترده بود که علی‌رغم تصور دولت سودان، بزودی توجه سازمانها و کشورهای مختلف جهان متوجه دارفور گردید و تحولات آن در صدر اخبار رسانه های

یکی از بازیگران جهانی که طی سالهای اخیر در سودان، تحولات جنوب این کشور و بحران دارفور نقش برجسته ای را ایفاء کرد ایالات متحده آمریکا بود. آمریکا با اعمال فشار به دولت مرکزی و مجبور کردن آن به برقراری صلح جنوب توانست به هدف خویش که همان جدا کردن جنوب اقلیت مسیحی از شمال مسلمان بود، دست یابد. هم اکنون نیز بحران دارفور بهانه دیگری بود تا این کشور حضور و نفوذ خویش را در سودان گسترش داده و نسخه جنوب را برای دارفور در دستور کار قرار دهد. از زمان اوج گیری بحران دارفور آمریکا تلاش کرد با عنوان نسل کشی در دارفور، موضع گیریهای تند، اعزام مقامات رسمی این کشور به سودان و دارفور و اعمال فشار از طریق سازمان ملل متحد، شورای امنیت و گروههای حقوق بشری جهانی بر دولت مرکزی سودان، این کشور را مجبور به تن دادن به خواسته های جهانی کند. بر کسی پوشیده نیست که همه حساسیت های آمریکا نسبت به بحران دارفور رسیدن این کشور به اهدافی است که در این منطقه از جهان برای خویش ترسیم کرده است. بر همین اساس، اقدامات گسترده ای که تاکنون برای پایان دادن به درگیریها و حل و فصل مسالمت آمیز

دادستان دیوان کیفری بین‌المللی می‌گوید، تمامی دستگاه‌های دولتی سودان در جنایات جنگی علیه غیرنظامیان در دارفور مشارکت دارند که در همین راستا، سال گذشته دیوان کیفری بین‌المللی حکم جلب دو تن از مقامات دولتی سودان به نام‌های علی کوشیب یکی از رهبران شبه نظامیان جنجوب در دارفور و احمد هارون وزیر مشاور در امور بشردوستانه دولت سودان را به اتهام جنایات جنگی و نقض حقوق بشر در دارفور صادر کرده بود، اما سودان از تحویل آنان به دادگاه لاهه خودداری کرد.

این سؤال مطرح است که چرا علیرغم وجود بحران‌های بسیاری در مناطقی همچون خاورمیانه همچون فلسطین، عراق و .. که به وضوح شاهد رخ دادن جرایم بسیاری علیه بشریت و یا نسل کشی آشکار هستیم، دیوان کیفری بین‌المللی تلاش‌های خود را بر منطقه دارفور سودان متمرکز کرده است؟ اگر به واکاوی درگیری‌ها و آشوب‌های شکل گرفته در دارفور بپردازیم می‌توان رد پای قدرت‌های استکباری را در آنجا مشاهده کرد. از چند سال پیش که خیر کشف نفت در منطقه دارفور باعث شد تا برخی از سران قبایل این منطقه به تحریک برخی از کشورهای غربی شورش‌ها و آشوب‌هایی را بیافرینند و خواستار استقلال این منطقه شوند. بوی نفت قدرت‌های زورگو و استثمارگر را به دارفور کشاند و شرکت‌های غربی هر بار که شعله درگیری‌ها با تلاش دولت مرکزی سودان فروکش می‌کرد با برانگیختن ایادی و عوامل خود و پرداخت رشوه‌های کلان به رهبران این پروژه دامنه اختلاف را افزایش دادند.

### جایگاه سودان در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا

از سال ۱۹۸۹ میلادی که حکومتی رادیکال، انقلابی و اسلام گرا در سودان بر سر کار آمد، این کشور از جایگاه و اهمیت قابل ملاحظه ای در سیاست خارجی آمریکا برخوردار گردید. علاوه بر این، کشف ذخایر نفت و گاز در این کشور سبب شد تا توجه بیشتر کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا را به خود جلب نماید. عملیات اکتشاف و استخراج نفت در سودان بطور جدی در سال ۱۹۹۶ میلادی آغاز شد. در این سال شرکت ملی نفت چین<sup>۱۸</sup> کنسرسیومی با شرکت ملی نفت سودان، شرکتهایی از مالزی و هند به نام "شرکت عملیات نفتی نیل بزرگ" را تأسیس نمود که ۴۰ درصد سهام این شرکت در اختیار شرکتهای چینی قرار گرفت. از آنجا که کشور سودان به عنوان یکی از کشورهای فقیر قاره آفریقا به شمار می رود و به شدت به پولهای نفت نیازمند است، لذا عملیات اکتشاف، استخراج و صدور نفت به سرعت دنبال شد و در اوت سال ۱۹۹۹ میلادی اولین محموله نفتی سودان به کشور سنگاپور صادر گردید. در همین زمان شرکتهای چینی کنترل تمام صنعت نفت سودان را در اختیار گرفتند حجم سرمایه گذاریهای چین در بخش نفت سودان به بیش از ۵ میلیارد دلار می رسد. کشور چین به عنوان بزرگترین شریک تجاری و نیز بزرگترین سرمایه گذار خارجی در صنعت نفت سودان به شمار می رود. روزانه بیش از ۵۰۰ هزار بشکه نفت در سودان تولید می شود که عمده آن به چین صادر می گردد. بنا به گفته یکی از مسئولان وزارت بازرگانی خارجی سودان، در سال ۲۰۰۵ میلادی درآمد ناشی از صادرات سودان به چین ۳/۴

<sup>18</sup> -China National Petroleum Corporation

میزان ذخایر نفت سودان بالغ بر ۲ میلیارد بشکه برآورد شده است که بخش اعظم آن هنوز استخراج نشده است. منابع سرشار گاز سودان نیز حائز اهمیت دست نخورده باقی مانده است. یکی دیگر از منابع معدنی سودان اورانیوم است که تا کنون بکر باقی مانده است. هم اکنون جنوب کشور سودان که به صورت مستقل اداره می شود شاهد حضور پررنگ شرکتهای نفتی آمریکایی و کانادایی است و آمریکا تلاش می کند تا راه نفوذ خویش به منطقه دارفور را نیز هموار نماید.

اقتصاد سودان پس از پیدا شدن نفت در این کشور با چشم انداز روشنی همراه گردید و طی سالهای اخیر درآمدهای نفتی دست مایه رشد اقتصادی چشمگیری در کشور شد و میزان رشد اقتصادی نیز در سال ۲۰۰۵ میلادی به حدود ۸ درصد رسید. برخی سازمانها و کشورهای غربی این اتهام را بر سودان وارد می کنند که این کشور درآمد سرشار نفتی خود را به خرید سلاح برای مبارزه با شورشیان جنگهای داخلی اختصاص می دهد در حالی که خارجیان مقیم سودان بر این اعتقادند که این سرمایه ها صرف کارهای زیربنایی از جمله صنعت ساختمان سازی شده به گونه ایی که چهره خارطوم نسبت به سالهای گذشته بکلی دگرگون شده است.

تحولات سالهای اخیر به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و حضور بن لادن در سالهای قبل از ۲۰۰۰ میلادی در سودان باعث شد تا توجه و تمرکز آمریکا بر این کشور بیشتر شود و نسبت به تحولاتی که در این کشور اتفاق افتاد، بی تفاوت نباشد. از سوی دیگر با نگاهی به سند راهبردی ملی مبارزه با تروریسم سنای آمریکا که منتشر شده است، سودان به عنوان یکی از کشورهای حامی تروریسم مطرح گردید که این امر حاکی از عمق حساسیت های آمریکا نسبت به سودان دارد. علاوه براین، موقعیت ژئوپولیتیکی سودان در منطقه حساس شاخ آفریقا و در حاشیه دریای سرخ به عنوان یکی از دروازه

سیاست جدید آمریکا مبنی بر حل بحران های مهم منطقه ای با رهیافت کلی بسط هژمونی این کشور در شاه راههای حیاتی منطقه ای بویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی منجر به مداخله مستقیم این کشور در قضایای سودان و مشخصاً بحران جنوب و هم اینک بحران دارفور گردیده است. با آغاز دوران جدید در دارفور، زمینه حضور آمریکا و کشورهای غربی در این منطقه به منظور بهره برداری از منابع نفت و اورانیوم فراهم گردد موضوعی که در جنوب سودان در حال اتفاق افتادن است. بنابر این به نظر می رسد روند گفتمان سیاسی و نوع واکنش سیاستمداران دولت سودان طی سالهای اخیر با نوعی نقصان مواجه گردید که نتیجه آن تقویت تلاشهای آمریکا و غرب جهت تضعیف اسلام و گرایشات اسلامی در سودان بوده است. آمریکا و کشورهای غربی از بحران دارفور برای تحت فشار قرار دادن دولت سودان استفاده کرده اند و بدین ترتیب در صدد استحاله ساختار حکومت اسلامی سودان از درون برآمده اند. طی سالهای اخیر سودان یکی از مناطق مورد نظر آمریکا برای برانگیختن جنگ داخلی در این کشور بوده است. آمریکا مرتباً در امور داخلی این کشور مداخله کرده و بر تشدید بحرانهای این کشور دامن زده به صورتی که این کشور را با خطر تقسیم و تجزیه رو به رو کرده است. آمریکا و رژیم صهیونیستی ابتدا آتش فتنه و جنگ را به مدت ۲۰ سال بین جنوب و شمال شعله ور ساختند تا آنکه توافقنامه نمادینی بین آنان امضاء شد که براساس آن حق جدایی از سودان در صورت تمایل، به اهل جنوب داده شده است. این مسئله ۶ سال پس از امضای قرارداد صلح به فراندوم گذاشته خواهد شد که بدون تردید، آمریکا

### اهداف ایالات متحده آمریکا در منطقه دارفور

برخی تحلیلگران معتقدند از زمان فروپاشی شوروی سابق آمریکا به تدریج نه تنها به قدرت جهانی واحد تبدیل شد بلکه به سمت رفتار امپراطوری گام برداشت و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر این طرز فکر به نوعی فعال شد. طرح موسوم به خاورمیانه بزرگ در واقع نبرد آمریکا برای ایجاد امپراطوری مورد نظر خویش و ترسیم مجدد نقشه سیاسی منطقه براساس محدوده ای امتداد یافته از غرب چین تا شرق در نزدیک مغرب و موریتانی و اقیانوس اطلس است. تحلیل گران برای این دیدگاه دو توجیه ارائه نمودند. توجیه نخست اینکه این منطقه، منطقه خطر واقعی و نزاع طائفی و نژادی است که بعدها عامل جنگهای آینده خواهد شد و آمریکا باید بر آن سلطه پیدا کند و توجیه دوم این است که این منطقه مکانی برای پیدا کردن دستاوردها است به این معنا که آمریکا باید نفوذ گسترده ای در این منطقه داشته باشد. زیرا منطقه و کانون انرژی جهان به شمار می آید و مساله انرژی از موضوعات اساسی آینده محسوب می شود و هر کس که در قرن ۲۱ بر منابع انرژی سلطه داشته باشد بر جهان سیطره پیدا خواهد کرد. در همین راستا، آمریکا در پی ایجاد امپراطوری برای سلطه بر منابع انرژی کشورها از جمله آفریقا و سودان است. بنابر این کشور سودان هم در قالب توجیه اول و هم توجیه دوم در کانون توجه سیاست های آمریکا جای دارد.

یکی از مهمترین اهداف آمریکا از گسترش نفوذ در سودان، ایفای نقش برجسته در دارفور، اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی به دولت مرکزی این کشور و رایزنی های وزارت خارجه آمریکا به منظور پایان دادن به درگیریهای قومی و قبیله ای در دارفور، و تسلط بر منابع نفتی و ارتباط دادن منافع خود در شرق و غرب آفریقا است تا از سیاست های بلند پروازانه فرانسه که سعی در ورود به منطقه دارفور را دارد جلوگیری نماید.

آمریکا که نقش بسیار برجسته ای در پایان دادن به ۲۱ سال جنگ در جنوب سودان داشته است<sup>۱۹</sup> هم اینک نیز در منطقه دارفور همان نقش را پیگیری می کند و با اعمال فشارهای بین المللی سعی در امتیاز گرفتن از دولت مرکزی در جهت منافع خویش دارد. حضور آمریکا در دارفور بخشی از سیاست های کلان این کشور به منظور حضور در کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای آفریقایی دارای منابع نفتی را تشکیل می دهد و با توجه به اینکه امنیت منطقه آفریقا کمتر از امنیت منطقه خاورمیانه نیست، این کشور با اجرای این سیاست می تواند نفت آفریقا را از طریق اقیانوس هند به بازارهای داخلی خود انتقال دهد.

یکی دیگر از مهمترین اهداف نهایی آمریکا برای کنترل دارفور بخشی از سناریویی است که از آن به عنوان سناریوی تجزیه گام به گام سودان یاد می کنند. بر اساس این سناریو سودان به عنوان پهناورترین کشور قاره آفریقا و تحت حاکمیت اسلام گراها باید تجزیه شود تا اسباب نگرانی ابرقدرت ها و در رأس آنها آمریکا را فراهم نیلورد. تجزیه سودان که پیش از این با امضای توافقنامه صلح و خود مختاری جنوب جلوه ای عینی و عملی به خود گرفته است بخشی از پازل خاورمیانه بزرگ واشنگتن نیز می تواند باشد.

۱- در پی برقراری صلح و امنیت در جنوب سودان نماینده وزارت امور خارجه آمریکا با سفر به منطقه جنوب سودان سه کنسولگری آمریکا را در این منطقه افتتاح کرد. جنوب سودان به دلیل دارا بودن منابع غنی نفت و گاز مورد توجه بسیاری از کشورهای غربی و شرکتهای چند ملیتی قرار گرفته است. اینک بسیاری از فعالیتها در زمینه استخراج معادن الماس و اکتشاف منابع جدید نفت و گاز در جنوب سودان به وسیله شرکتهای چند ملیتی آغاز شده است.

در کنار این اهداف، برخی دیگر از سیاست‌های پنهان آمریکا در دارفور قابل ارزیابی است که یکی از آنها تلاش برای ایجاد فتنه و اختلاف بین قبایل عربی و آفریقایی به منظور عدم دسترسی بخش عربی آفریقا از بخش آفریقایی این قاره می‌باشد که سودان

هدف دیگری که مورد ارزیابی محافل سیاسی آگاه از تحولات سودان برای آمریکا در منطقه دارفور قرار گرفته است، رقابت بین آمریکا و فرانسه است. آنان می گویند سودان با ثبات و امن همراه با اکتشاف معادن نفت، گاز و الماس و اهمیت موقعیت جغرافیایی این کشور در مرکز آفریقا و منطقه دریاچه های کوچک و شاخ آفریقا، در کانون توجه فرانسه بوده و آمریکا از سیطره فرانسه بر منطقه دارفور بسیار هراسناک می باشد.<sup>۲۰</sup>

#### نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در بحران دارفور سودان

با اوج گیری بحران دارفور در غرب کشور سودان در اواخر سال ۲۰۰۳ میلادی اگر چه دولت مرکزی این کشور تلاش گسترده ای مصروف داشت تا از بین المللی شدن این بحران جلوگیری نموده و آن را موضوعی داخلی معرفی کند اما دامنه فشارهای کشورهای غربی، سازمان های بین المللی و گروه های حقوق بشری جهانی چنان گسترش یافت که دولت سودان در موضع انفعالی قرار گرفت و برای برون رفت از این بحران ناچار شد تن به برخی خواسته های بازیگران فرامنطقه ای دهد.

۱- از آنجا که سودان در سالهای اخیر به عنوان یکی از کشورهای حامی تروریسم در لیست سیاه ایالات متحده آمریکا جای گرفته و به خاطر بحران دارفور و اتهاماتی که از سوی کشورهای غربی و آمریکا بر این کشور وارد شده مورد تحریم شدید آمریکا قرار گرفت، فرصت مغتنمی را برای شرکت های نفتی چینی فراهم آورد. زیرا شرکت های نفتی آمریکایی و کانادایی به علت درگیری های داخلی سودان و همچنین فشار دولتهای متبوعشان ناچار شدند سودان را ترک کنند که این امر سبب شد تا صحنه برای ورود و فعالیت شرکت های چینی مهیا شده و بتوانند به راحتی در زمینه اکتشاف نفت و دیگر فعالیتهای نفتی در بزرگترین کشور قاره آفریقا وارد عمل شوند.

از جمله بازیگران فرامنطقه‌ای که به شدت از اوضاع دارفور ابراز نگرانی نمود و وارد قضیه دارفور شد سازمان ملل متحد بود. این سازمان و به دنبال آن شورای امنیت که خاطره تلخ نسل‌کشی در رواندا را در ذهن داشت و به کم‌کاری در آن حادثه متهم شده بود، توجه زیادی به وقایع دارفور نشان داد و خواستار حل و فصل هر چه سریعتر اختلافات در این منطقه گردید. مقامات سازمان ملل متحد همواره از دولت سودان به شدت انتقاد کرده و این کشور را مسئول فاجعه دارفور و پاکسازی نژادی گروه‌های عرب علیه آفریقایی‌های سیاه می‌دانستند. پس از اینکه تلاشهای کوفی عنان برای پایان دادن به بحران دارفور راه به جایی نبرد پرونده دارفور به شورای امنیت ارجاع شد و این شورا با تصویب چند قطعنامه علیه دولت سودان، تلاش نمود تا این کشور را به منظور پایان دادن به بحران دارفور تحت فشار قرار دهد. از سوی دیگر سازمانهای حقوق بشری که به طور گسترده‌ای به مسئله دارفور پرداخته و نسبت به بروز یک فاجعه بزرگ انسانی (بزرگترین فاجعه انسانی در دنیا) هشدار داده بودند، شورای امنیت را به سوی اتخاذ تصمیمات قاطعانه در این زمینه سوق دادند. شورای امنیت با توجه به فشارهای آمریکا، انگلیس، فرانسه و برخی دیگر از کشورهای غربی موضوع دارفور را به عنوان یک پرونده انسانی خطیر در دستور کار خود قرار داده و تا کنون اقدام به تصویب چندین قطعنامه پیرامون بحران دارفور کرد که مهمترین آنها به شرح زیر است:

#### ۱- قطعنامه ۱۵۵۶ در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۴: این قطعنامه که اولین اقدام شدیداللاحن

شورای امنیت علیه دولت سودان پیرامون بحران دارفور است از سوی آمریکا پیشنهاد گردید و پس از پنج نوبت تعدیل و مشاوره‌های متعدد با ۱۳ رأی موافق و دو رأی ممتنع (پاکستان و چین) به تصویب رسید. در این قطعنامه با تعیین یک ضرب‌الاجل ۳۰ روزه به دولت سودان از دولت این کشور می‌خواهد تا نسبت به برقراری امنیت در دارفور، خلع سلاح گروه جنجوید (شبه نظامیان عرب طرفدار دولت در دارفور)، دستگیری رهبران و محاکمه آنها و ایجاد تسهیلات جهت کمک‌رسانی بین‌المللی به

**۲- قطعنامه ۱۵۶۴ در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴:** این قطعنامه به دنبال ارائه گزارش جان پرونگ نماینده دبیرکل به شورای امنیت مبنی بر کوتاهی دولت سودان در انجام تعهدات خود در حل بحران دارفور از جمله خلع سلاح گروه جنجود پس از مهلت ۳۰ روزه به تصویب رسید. این قطعنامه که با ۱۱ رأی موافق و ۴ رأی ممتنع (الجزایر، پاکستان، چین، روسیه) تصویب شد، از نقش نیروهای اتحادیه آفریقا در دارفور استقبال و نسبت به کوتاهی دولت سودان در انجام تعهداتش ابراز نگرانی شد. این قطعنامه صریحاً دولت سودان را در صورت کوتاهی از انجام مفاد قطعنامه ۱۵۵۶ در مورد دارفور به مجازات تحریم نفتی تهدید نمود و پروازهای نظامی بر فراز دارفور را ممنوع اعلام کرد. شورا از دبیرکل خواست تا کمیته حقیقت یابی را برای بررسی موارد نقض حقوق بشر در دارفور و امکان وقوع نسل کشی در این منطقه تشکیل داده و روانه دارفور نماید. این قطعنامه همانند اقدام قبلی شورای امنیت، خشم مقامات سودانی را برانگیخت و مهمترین نکته که تشکیل کمیته حقیقت یاب بود باعث بوجود آمدن مشکلات زیادی در روند حل و فصل بحران دارفور گردید. کمیته حقیقت یاب که ریاست آن را یک قاضی

**۳- قطعنامه ۱۵۹۱ در ۲۹ مارس ۲۰۰۵:** این قطعنامه به علت استمرار بحران دارفور و نیز گزارش محرمانه کمیته حقیقت یاب به شورا با ۱۲ رأی موافق و ۳ رأی ممتنع (چین، روسیه، الجزایر) به تصویب رسید. در این قطعنامه تحریم‌هایی علیه سودان وضع شد که از جمله آنها بلوکه شدن اموال و ممنوعیت سفر برای متهمین به جنایت جنگی و نقض حقوق بشر در دارفور، تحریم ارسال سلاح به نیروهای دولتی و غیردولتی در دارفور و ممنوعیت پرواز هواپیماهای نظامی و غیر نظامی بر فراز دارفور مگر با مجوز کمیته ویژه نظارت سازمان ملل در دارفور، می باشد. بر اساس این قطعنامه مقرر گردید کمیته ای متشکل از تمامی اعضای شورای امنیت تشکیل شود تا افراد مشمول تحریم مالی و اقتصادی را معرفی و حداقل هر ۹۰ روز یک بار گزارش خود را به شورای امنیت ارائه دهد. این قطعنامه دولت سودان و نیروهای شورشی را قویاً محکوم نموده و تأکید کرده است در صورت وخامت اوضاع براساس ماده ۴۱ منشور ملل متحد شورای امنیت تدابیر بیشتری را مورد بررسی قرار خواهد داد.

**۴- قطعنامه ۱۵۹۳ در یکم آوریل ۲۰۰۵:** این قطعنامه که شدیدترین اقدام شورای امنیت علیه دولت سودان پیرامون بحران دارفور بود، به پیشنهاد فرانسه و با ۱۱ رأی موافق و ۴ رأی ممتنع (آمریکا، الجزایر، چین، برزیل) به تصویب رسید. در این قطعنامه مقرر گردید پرونده ۵۱ تن از افراد مظنون به ارتکاب جنایات جنگی در ایالت دارفور به دیوان کیفری بین‌المللی مستقر در لاهه ارجاع گردد. توافق بر سر تصویب این قطعنامه در حالی بعمل آمد که آمریکا ابتداء مخالف آن بوده ولی پس از هفته‌ها مذاکره

این قطعنامه به شدت با مخالفت دولت سودان مواجه شد و رئیس جمهور این کشور قسم یاد کرد که متهمین مورد ادعای شورای امنیت را تحویل دادگاه لاهه نخواهد داد. علاوه بر مقامات رسمی، حدود ۲۰۰ تن از دانشجویان سودانی با برگزاری راهپیمائی، قطعنامه مذکور را محکوم نموده و با تجمع در اطراف سفارت آمریکا در خارطوم مراتب اعتراض خود را اعلام داشتند. از سوی دیگر وزرای امور خارجه دانمارک، کانادا، معاون وزیر خارجه آمریکا و خاویر سولانا رئیس کمیسیون سیاست خارجی اتحادیه اروپا ضمن اعلام خرسندی نسبت به تصویب این قطعنامه، اعلام کردند آشتی در سودان باعث پایان مصونیت افراد جنایتکار خواهد شد.

**۵- قطعنامه ۱۷۰۶ در ۳۱ اوت ۲۰۰۶:** یکی دیگر از اقدامات شورای امنیت پیرامون بحران دارفور که جنجالهای زیادی برپا کرد تصویب قطعنامه ۱۷۰۶ علیه دولت سودان بود.<sup>۲۱</sup> در این قطعنامه که توسط آمریکا و انگلیس پیشنهاد شد و با ۱۲ رأی موافق و ۳

---

۱- اولین و مهمترین واکنش دولت سودان به قطعنامه ۱۷۰۶ تصمیم کابینه این کشور بود که از اتحادیه آفریقا خواست تا نیروهای خود را تا پایان ماه سپتامبر ۲۰۰۶ میلادی از دارفور خارج کند. دولت سودان همچنین اعلام

مقامات دولت سودان که مخالفت صریح و شدید خود را با این قطعنامه اعلام کردند، بر این باورند که پشت این قطعنامه پرونده پنهانی وجود دارد که هدف آن دستیابی به حاکمیت سودان است. مجذوب الخلیفه مشاور رئیس‌جمهور سودان ضمن اعلام مطلب فوق معتقد است که این قطعنامه غیر قانونی و غیر قابل اجراء بوده و آتش منطقه را شعله ورت می‌کند. حزب کنگره ملی (حاکم) نیز اعلام کرد ورود نیروهای بین‌المللی به دارفور نوعی استعمار جدید است و باید با آن مبارزه نمود. "عمرالبشیر" رئیس‌جمهوری سودان ضمن مخالفت قاطع با استقرار نیروهای خارجی در منطقه دارفور، تاکید می‌کند هدف از این اقدام تسلط بر مردم سودان و استعمارگری قدیم در لباسی جدید است. البشیر تاکید کرد دولت سودان به این نتیجه رسیده است که حضور نیروهای بین‌المللی در دارفور به سود مردم کشور نخواهد بود و هرگز اجازه چنین اقدامی را نخواهد داد.

سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد پس از تصویب قطعنامه اعلام کرد هرگونه ممانعت و سرپیچی از این قطعنامه باعث عدم اجرای پیمان صلح ابوجا شده و مشکلات سودانی‌ها و نیز عملیات نسل‌کشی در این کشور بیش از پیش گسترش خواهد یافت. دولت آمریکا نیز اعلام کرد یکی از تبعات مخالفت سودان با اعزام نیروهای سازمان ملل

دبیرکل اتحادیه عرب با انتقاد از تصمیم شورای امنیت سازمان ملل درباره اعزام نیرو به سودان، آن را بی نتیجه قلمداد کرد. عمرو موسی گفت: این اقدام نتایج مثبتی نخواهد داشت و ضروری است تا در این باره با دولت سودان هماهنگی شود. مصر نیز درباره حضور نیروهای بین‌المللی در دارفور بدون کسب موافقت دولت سودان هشدار داد. وزیر امور خارجه مصر گفت: حضور نیروهای بین‌المللی در دارفور بدون موافقت دولت سودان فقط باعث افزایش مشکلات در این منطقه خواهد شد.

شورای امنیت سازمان ملل به عنوان یکی از بازیگران برجسته در بحران دارفور همواره تلاش نموده تا سیاستهای دیکته شده از سوی آمریکا و انگلیس را در بحران دارفور به مرحله اجراء درآورد. این شورا با تحت فشار قرار دادن دولت سودان، سعی کرد این کشور را مجبور به عقب نشینی و دادن امتیازهای بیشتر نموده تا آمریکا و انگلیس بتوانند به اهداف خویش در این کشور دست یابند. استحاله رژیم اسلام‌گرای سودان، تجزیه این کشور و دستیابی به منابع نفت این کشور از مهمترین اهداف کشورهای غربی در سودان بود که به علت مقاومت دولت و مردم سودان در برابر زورگویی‌های کشورهای سلطه، تاکنون همه نقشه‌های استعمارگرانه در این کشور نقش بر آب شد.

#### ۶- قطعنامه ۱۸۲۸ در ۳۱ جولای ۲۰۰۸: روز جمعه مورخ ۱۳۸۷/۵/۱۱

خبرگزاریها اعلام کردند که قطعنامه شورای امنیت برای تمدید حضور نیروهای صلحبان بین‌المللی<sup>۲۲</sup> در منطقه جنگ زده دارفور، در غرب سودان با رای مثبت ۱۴ عضو این شورا به تصویب رسید اما آمریکا بخشی از قطعنامه مذکور را که مربوط به رای دیوان کیفری بین‌المللی لاهه درباره رئیس‌جمهور سودان بود نپذیرفت و به همین جهت به

۱- در حال حاضر شمار صلحبانان مشترک سازمان ملل متحد و اتحادیه آفریقا به حدود نه هزار و پانصد نفر می‌رسد که اکثر آنان از سوی کشورهای عضو اتحادیه آفریقا اعزام شده‌اند.

واشنگتن تمدید حضور نیروهای بین‌المللی تا ژوئیه ۲۰۰۹ میلادی در دارفور را تایید کرده اما با بخش اصلی متن این قطعنامه که با لحنی آشتی جویانه نسبت به مقامات سودان تدوین شده و انگلیس آن را به خاطر اعمال فشار کشورهای آفریقایی درباره حکم دیوان کیفری بین‌المللی اضافه کرده انتقاد کرده است. "الخاندروولف"، جانشین سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد گفت: لحن قطعنامه جدید می‌تواند "پیام نادرستی" را در مورد نگرش جامعه بین‌المللی نسبت به برخورد رهبران سودان با بحران دارفور به آنان منتقل کند و تلاش‌ها برای محاکمه رئیس‌جمهور سودان و برخی از دیگر مقامات این کشور را ضایع می‌کند. هیات آمریکایی از حق وتوی خود در رای گیری برای این قطعنامه استفاده نکرد اما اعضای شورای امنیت خواستار موافقت

پیش از تشکیل جلسه شورای امنیت، کشورهای روسیه، چین، آفریقای جنوبی، لیبی، ویتنام، اندونزی و بورکینافاسو، به عنوان اعضای شورای امنیت، رای مثبت به قطعنامه را به موضوع توقف پیگرد رئیس جمهور سودان ارتباط دادند.

نماینده سودان در سازمان ملل متحد از تصویب قطعنامه و نشانه های حاکی از گرایش شورای امنیت برای بررسی توقف تحرکات دیوان کیفری بین المللی درباره عمر البشیر، رئیس جمهور این کشور استقبال کرد. وی افزود: صدور حکم پیگرد قانونی رئیس جمهور سودان تبعات گسترده ای در سطح بین المللی خواهد داشت و سودان و همه منطقه از عواقب فاجعه آمیز آن مصون نخواهد ماند با این حال، دولت سودان بار دیگر تاکید کرد که هیچ یک از اتباع خود را به دیوان کیفری بین المللی تحویل نمی دهد.

دولت سودان همچنین آمریکا را مسئول پیچیده تر شدن مساله این کشور دانست و رای ممتنع آمریکا به این قطعنامه را اقدامی غیر اخلاقی توصیف کرد. این در حالی است که مخالفان دولت سودان، قطعنامه شورای امنیت را مهلتی برای دولت توصیف و تاکید کردند، این مهلت بیش از ۲ ماه نیست و دولت خارطوم باید طی این مدت، جدی بودن خود را برای حل بحران دارفور به اثبات برساند. آنان از دولت خواستند، اقدامات عملی را در تحول دموکراتیک و اجابت خواسته های اهالی دارفور انجام دهد.

#### **اقدامات دولت سودان برای مقابله با اقدام دادستان دیوان کیفری بین المللی**

در پی صدور دادخواست دادستان دیوان کیفری بین المللی برای صدور حکم بازداشت آقای عمر البشیر، رئیس جمهور سودان اقداماتی را به منظور مواجهه با این دادخواست در دستور کار دولت سودان قرار داد. وی ضمن صدور دستور تشکیل یک کمیته عالی به

آقای عمرالبشیر نیز با ملک عبدالله پادشاه عربستان در خصوص اقدام دادستان دیوان کیفری بین‌المللی تماس حاصل نمود که ملک عبدالله طی این تماس موضع ثابت دولت خود را در حمایت از سودان در کلیه زمینه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ابراز داشت.

مجلس ملی سودان طی یک جلسه فوق‌العاده در روز چهارشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۸۷ هجری شمسی ۴ جولای ۲۰۰۸ میلادی ضمن رد ادعاهای دادستان دیوان کیفری بین‌المللی علیه البشیر و برخی از مقامات سودانی و تاکید بر عدم تحویل آنها، به اتفاق آراء توافق نمود که پیوستن دولت سودان به دیوان کیفری بین‌المللی را در آینده تصویب نکند.

علاوه بر این، سودان کوشید تا حداکثر بهره برداری را از مجامع منطقه ای و بین المللی همچون سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، اتحادیه آفریقا و اجلاس وزرای امور خارجه جنبش عدم تعهد در تهران (مردادماه ۱۳۸۷) جهت اتخاذ مواضع جمعی در جهت متوقف کردن روند شروع شده در دیوان کیفری بین المللی بنماید. درخواست از دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی جهت برگزاری جلسه کمیته اجرایی نیز در همین راستا صورت گرفته است.

دولت سودان تلاش نمود تا از سفر میانجی مشترک جدید سازمان ملل متحد و اتحادیه آفریقا که برای میانجی گری بین سودان و گروه های شورشی دارفور روز ۲۹ تیرماه ۱۳۸۷ (۱۹ جولای ۲۰۰۸) وارد خارطوم شد، حداکثر بهره برداری را بنماید. آقای جبرئیل باسوله<sup>۲۳</sup> میانجی مشترک جدید سازمان ملل متحد و اتحادیه آفریقا در هنگام ورود به خارطوم از سوی علی کرتی وزیر مشاور در وزارت امور خارجه سودان مورد استقبال قرار گرفت و در مدت اقامت در سودان با مقامات بلندپایه سودانی از جمله رئیس جمهور و وزیر امور خارجه این کشور دیدار و پیرامون بحران دارفور گفتگو نمود. مقامات سودانی با انجام اقداماتی در خصوص مساله دارفور از جمله ارایه اطلاعاتی از فعالیتهای اولیه خود در رابطه با ابتکار نقشه راه بحران دارفور جهت حل آن و تماس با نیروهای سیاسی داخلی، زمینه های لازم را برای نشان دادن اشتیاق خود به حل بحران دارفور از طریق مذاکره با میانجی جدید سازمان ملل متحد و اتحادیه آفریقا فراهم کردند.

آقای بونل ملوال، مشاور عمر البشیر، رییس جمهور سودان در جمع خبرنگاران در آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی اظهار داشت: در صورتی که دادگاه جنایات بین المللی لاهه حکمی را علیه البشیر صادر کند دولت سودان نیز به این اقدام واکنش نشان خواهد داد. وی افزود: در این صورت سودان در خصوص حضور نیروهای مشترک بین المللی و

<sup>23</sup> - Djibrill Yipene Bassole

در ۲۰ اوت ۲۰۰۸، رئیس‌جمهور سودان در نخستین سفر بین‌المللی خود به ترکیه پس از آنکه دادستان کل دیوان کیفری بین‌المللی از این دادگاه خواسته بود تا حکم جلب وی را به اتهام نسل‌کشی جنایات جنگی و همچنین جنایت علیه بشر در منطقه دارفور صادر کند، این دادگاه را به تلاش برای حفظ منافع کشورهای توسعه یافته متهم کرد و افزود نیروهای دولتی سودان مسئول جنایات در منطقه دارفور نبوده‌اند. وی که با عبدالله گل همتای ترک خود در شهر استانبول سخن می‌گفت تصریح کرد ما مرتکب این جنایات در منطقه دارفور نشده ایم و حتی از رخ دادن این حوادث نیز ناراحت هستیم.

#### واکنش‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به دادخواست دادستان

صدر دادخواست دادستان دیوان کیفری بین‌المللی موجی از واکنش‌های مخالف و موافق را در جهان برانگیخت که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

**واکنش‌های داخلی:** وزیر امور خارجه سودان گفت: تمامی تلاش دولت سودان در جهت برقراری صلح در منطقه دارفور و ارائه کمک‌های انسان‌دوستانه به مردم این منطقه است. علی‌احمد کرتی در پانزدهمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در تهران افزود: ما مکانیزمی را به وجود آورده ایم تا با کمک سازمان‌های بین‌المللی روند صلح در منطقه دارفور را پیگیری کنیم اما از سوی برخی کشورها مورد حملات ظالمانه‌ای قرار گرفته ایم که بنا دارند تلاش‌های صلح را در این منطقه ناکام بگذارند و مشروعیت رهبری سودان را زیر سوال ببرند. علی‌احمد کرتی تصریح کرد: دادستانی بین‌المللی اتهاماتی را متوجه رهبر سودان کرده است. این دادستان باید بداند درخواست او در خصوص رهبر سودان اثرات سویی بر منطقه دارد و موجب شورش‌های

علی الصدیق سخنگوی وزارت امور خارجه سودان گفت: سودان به همکاری در خصوص فرآیند صلح دارفور ادامه خواهد داد و از کارکنان سازمان ملل متحد در آن کشور حمایت خواهد کرد. سفیر سودان در سازمان ملل متحد با اشاره به این موضوع که این کشور از امضاء کنندگان موافقت نامه تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی نیست بر همکاری نکردن آن با این دادگاه تاکید کرد. وی با غیرمسئولانه خواندن اقدام دیوان کیفری بین‌المللی جنایی آن را ناقض تلاش های آقای البشیر در برقراری صلح در جنوب سودان دانست. او گفت: این یک حرکت غیرمسئولانه است و بر روند صلح در کشور تاثیر منفی خواهد داشت.

علی عثمان طه معاون رئیس جمهوری سودان هم با دروغ خواندن شواهد دیوان کیفری بین‌المللی به این نکته اشاره کرد که کشورش ممکن است سعی کند عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی را مختل کند. شهروندان سودان نیز در خارطوم در اعتراض به اقدام دیوان کیفری بین‌المللی تظاهرات کردند. عمرالبشیر نیز در این تظاهرات که به طرفداری از او برگزار گردید حاضر شد و با محکوم کردن این اقدام دیوان کیفری بین‌المللی لاهه آن را دروغ عنوان کرد.

گروه های شورشی دارفور از جمله "جنبش عدل و مساوات" و جناح عبدالواحد النور از "جنبش آزادیبخش سودان" از این اقدام دیوان کیفری بین‌المللی استقبال و حمایت کردند.

**واکنش‌های منطقه ای:** اتحادیه آفریقا نیز با صدور بیانیه ای ضمن محکوم کردن صدور دادخواست توسط دادستان دیوان علیه رئیس‌جمهور سودان خواستار دخالت شورای امنیت و تعلیق رسیدگی به این موضوع حداقل به مدت یک سال شد. اتحادیه آفریقا از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست، اقدام دادگاه جنایی بین‌المللی در خصوص طرح اتهام علیه عمر البشیر رییس جمهوری سودان را به حالت تعلیق درآورد. شورای امنیت و صلح وابسته به اتحادیه آفریقا در پایان نشست خود در شهر آدیس آبابا پایتخت اتیوپی طی این بیانیه اعلام کرد، اتحادیه آفریقا معتقد است نباید به تلاش‌های کنونی برای تحقق صلح در دارفور خدشه وارد شود و در شرایط کنونی، هر اقدامی از سوی دادگاه جنایی بین‌المللی به نفع تحقق عدالت یا کمک به قربانیان مشکل دارفور نخواهد بود.

عمرو موسی دبیرکل اتحادیه عرب در سفر به خارطوم در راستای حل بحران پیش آمده میان دولت سودان و دیوان کیفری بین‌المللی لاهه، با مقامات سودانی دیدار کرد. وی در دیدار با عمر حسن البشیر رییس‌جمهور سودان، به بررسی طرح عربی در رویارویی با بحران کنونی میان سودان و دیوان کیفری بین‌المللی لاهه پرداخت عمرو موسی قبل از دیدار با عمر البشیر اعلام کرد که کشورهای عربی در خصوص حل و بررسی تحولات سودان اجماع دارند و اتحادیه عرب با این وضع به طور جدی برخورد می‌کند. دبیر کل اتحادیه عرب خاطر نشان کرد: اوضاع خطرناک کنونی هرگز با شعار دادن و محکوم کردن‌ها حل نخواهد شد، اما با یک موضع‌گیری قوی اتحادیه عرب و با همکاری اتحادیه آفریقا و سازمان ملل متحد می‌توانیم به بررسی بحران

احمد ابوالغیظ وزیر امور خارجه مصر هم اعلام کرد: مصر پیشنهاد برگزاری کنفرانس بین‌المللی با هدف دستیابی به راه حل سیاسی برای حل بحران دارفور را ارایه کرده است. وی در ادامه گفت: مصر این پیشنهاد را به اتحادیه عرب داده و وزیران امور خارجه عرب نیز این پیشنهاد را تایید کردند. این کنفرانس با هماهنگی سازمان ملل و کشورهای عضو شورای امنیت و کشورهای مطرح آفریقایی و نیز کشورهایی که در نشست آدیس آبابا در اکتبر حضور داشتند برگزار می‌شود. وی در یک مصاحبه تلویزیونی درباره تاثیرات سیاسی این درخواست بر سودان هشدار داد و اعلام کرد که ممکن است پیامدهای آن برای سودان ویرانگر باشد. ابوالغیظ افزود: مصر نظر خود را در این باره اعلام کرده است و آن را اقدامی غیر مسئولانه می‌داند و باید ملاحظات سیاسی مترتب بر این اقدام دادستان دیوان کیفری بین‌المللی را مدنظر قرار دهیم. وزیر امور خارجه مصر در ادامه گفت این درخواست سران شورش را ترغیب کرده است اعلام کنند با دولت سودان مذاکره نمی‌کنند. وی افزود که موضوع سودان در سه بعد حقوقی سیاسی و انسانی قابل حل است. در بعد حقوقی باید دستگاه قضایی سودان با هرگونه نقض قانون برخورد کند تا بدین ترتیب مانع هرگونه دخالت دیوان کیفری بین‌المللی و دادستان این دیوان در امور سودان شود.

روزنامه مصری الاهرام نیز از تشکیل کمیته‌ای متشکل از کارشناسان حقوق بین‌الملل برای دفاع از عمر البشیر در برابر دادگاه لاهه خبر داد. بر اساس این گزارش

آقای تابو امبکی رئیس‌جمهور سابق آفریقای جنوبی در این زمینه گفت: محاکمه عمر البشیر رئیس‌جمهوری سودان به صلح در دارفور آسیب می‌رساند. وی تردید خود را نسبت به احتمال صدور حکم توقیف رئیس‌جمهور سودان ابراز داشت. وی گفت که مشارکت البشیر در صلح سودان ضروری است و حکم توقیف وی مسوولیت سازمان ملل متحد و اتحادیه آفریقا را در دارفور دشوار تر میکند. امبکی همچنین آمادگی خود را برای دیدار با البشیر به منظور بررسی درخواست دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی اعلام کرد.

دکتر لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی با اشاره به اقدام دادستان دیوان کیفری بین‌المللی لاهه برای ارایه درخواست صدور حکم بازداشت رییس‌جمهوری سودان، آن را اقدامی موذیانانه با ماهیت سیاسی و در عین حال کم اهمیت ارزیابی کرد. علی لاریجانی در دیدار غازی صلاح الدین فرستاده ویژه رییس‌جمهوری سودان و هیات همراه با وی، اظهار داشت: هر کشوری که امروز بخواهد در عرصه بین‌الملل مستقل باشد، زورگویان جهانی با ایجاد مشکلات مصنوعی و خلق الساعه در جهت تضعیف این استقلال حرکت می‌کنند. صلاح الدین اقدام دیوان را در جهت تلاش غرب و آمریکا برای تضعیف استقلال و حاکمیت سودان و تجزیه این کشور خواند.

پارلمان موقت عربی از درخواست حکم بازداشت برای عمر حسن البشیر انتقاد کرد و آن را «شرم آور» خواند. به گزارش خبرگزاری مصری «منا»، جاسم الصغر، رهبر این پارلمان عربی ابراز نگرانی کرده که درخواست دادگاه جنایی بین‌المللی برای صدور حکم بازداشت رییس‌جمهوری سودان باعث شود که " این دادگاه به ابزاری در دست قدرت‌های بزرگ برای ترساندن کشورهای کوچک تبدیل شود." گروه‌های اسلامی

**واکنش‌های بین‌المللی:** آقای بان کیمون دبیر کل سازمان ملل متحد در تماسی تلفنی با عمر البشیر نسبت به تلاش دادگاه لاهه ابراز نگرانی کرد. بان کیمون آمادگی خود را برای بررسی این مساله اعلام کرده و از عمر البشیر خواسته است تا به حمایت از تیم سازمان ملل در سودان بپردازد. دبیر کل سازمان ملل آمادگی سازمان ملل متحد را در زمینه همکاری با سودان برای اجرای توافق‌نامه‌های امضا شده اعلام کرد. در همین حال، سازمان ملل متحد اقدام به خارج کردن برخی از کارمندان غیر ضروری خود از منطقه دارفور سودان نموده است. این سازمان دلیل اقدام خود را احتمال بروز خشونت‌ها پس از درخواست بازداشت رهبر سودان عنوان کرده است.

وزیران امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب برای رسیدگی به این مساله، به درخواست سودان جلسه فوق‌العاده‌ای را در قاهره برگزار کردند. در این نشست ضمن محکوم کردن درخواست بازداشت البشیر، آخرین تحولات در ارتباط با اقدام دیوان کیفری بین‌المللی علیه مقامات سودان مورد رسیدگی و تبادل نظر قرار گرفت. عمرو موسی به دنبال این اجلاس به خارطوم سفر کرده و از نزدیک موضوع را با مقامات سودانی مورد بررسی قرار داد. اتحادیه عرب اعلام کرد مفاد پیش‌نویس طرح این اتحادیه را درباره حل و فصل بحران جاری بین سودان و دیوان کیفری بین‌المللی لاهه به اطلاع اعضای غیر دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد رسانده است. به گزارش خبرگزاری شین‌هوا از قاهره هشام یوسف مسئول دفتر عمرو موسی دبیر کل اتحادیه عرب در نشست با سفیران و نمایندگان کشورهای بلژیک، بورکینافاسو، کرواسی، اندونزی، ایتالیا، پاناما، آفریقای جنوبی و ویتنام در قاهره پیش‌نویس طرح اتحادیه عرب

سازمان کنفرانس اسلامی که پنجاه و هفت کشور در آن عضویت دارند از این اقدام دادستان دیوان کیفری بین‌المللی عمیقاً ابراز نگرانی کرد. اکمل الدین احسان اوغلو دبیرکل این سازمان با صدور بیانیه ای علیه پیامدهای وخیم این چنین اقدامی بر صلح شکننده دارفور در غرب سودان هشدار داد. در بخشی از این بیانیه، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی از سکوت دیوان کیفری بین‌المللی در بی رحمی‌ها و خشونت‌ها در دیگر مناطق جهان بویژه در خاورمیانه ابراز شگفتی و حیرت کرد و گفت: این سیاست یک بام و دو هوا به برقراری صلح و آشتی در این منطقه از جهان کمک نخواهد کرد. اکمل الدین احسان اوغلو دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی به دنبال اعلام درخواست دادستان این دادگاه با انتشار بیانیه ای صدور این حکم را علیه رییس جمهوری سودان نگران کننده دانست. وی در این بیانیه از سکوت این دادگاه بین‌المللی در برابر جنایات فجیعی که در سراسر جهان رخ می دهد ابراز شگفتی کرده بود.

همزمان با اعتراض سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه عرب، دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس نیز به نوبه خود به این اقدام اعتراض کرد و از دیوان کیفری بین‌المللی خواست درخواست دادستان را پیگیری نکند. دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس درخواست دادستان دیوان کیفری بین‌المللی را مداخله در امور داخلی سودان دانست و افزود: چنین اقدامی مانع به ثمر رسیدن تلاشها برای حل و فصل مناقشه

### نتیجه گیری

دیوان کیفری بین المللی در حالی در سالهای پایانی قرن بیستم به عنوان نهادی بین المللی پا به عرصه وجود گذارد که جامعه بشری از روند صعودی درگیری ها، کشتارها و خونریزی های متعدد و مستمر که نتیجه اقدامات سیاستمداران، دولتمردان و سران نظامی خودکامه کشورهای مختلف که در راستای تامین اهداف و منافع سیاسی و اقتصادی نامشروع آنها بود، به شدت رنج می برد. تشکیل یک دادگاه بین المللی دائمی که بتواند به تعقیب و مجازات چنین افرادی که بدون هیچگونه واومه ای از محاکمه شدن در پیشگاه عدالت، مرتکب اعمالی همچون نسل کشی، تجاوز، کشتار جمعی، جنایت علیه بشریت، نقض گسترده حقوق بشر و ... می شوند، بپردازد همیشه آرزوی بشر بوده است. با پایان یافتن جنگ سرد و فراهم شدن زمینه تحقق چنین نهادی، امید می رفت که دیوان کیفری بین المللی این آرزوی دیرینه بشر را برآورده سازد ولی گذر زمان، واقعیت تلخی را نمایان ساخت. در گام اول پس از موجودیت دیوان کیفری بین المللی، سه کشور بزرگ و با نفوذ جهان (ایالات متحده آمریکا، چین و هند) با بیان این مطلب که این امر ممکن است موجب نقض بالقوه حاکمیت آنها شود و با بیان ترس و

اقدام اخیر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی برای ارائه دادخواستی جهت صدور حکم بازداشت و محاکمه آقای عمر البشیر رئیس‌جمهور سودان که واکنش‌های مختلفی را نیز به همراه داشت، در حقیقت ایجاد بدعتی در نظام حقوقی بین‌الملل توسط یک نهاد نو پای قضایی بین‌المللی که می‌بایستی حامی و مجری عدالت بدور از هرگونه شائبه‌ای باشد، بود. تلاش برای صدور حکم دستگیری و محاکمه فردی که رئیس دولت یک کشور بوده و همچنان در مسند قدرت قرار دارد، امر جدیدی بود که توجه بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی و حقوقی را به خود جلب کرد. از لحاظ حقوقی این سؤال مطرح می‌باشد که آیا علیرغم مصونیت روسا و مقامات بلندپایه دولتها در هنگام تصدی

"سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت به هیچ وجه یک شخص را از مسؤولیت کیفری که به موجب این اساسنامه برعهده دارد معاف نخواهد کرد. همچنان که وجود سمتهای مذکور به تنهایی علتی برای تخفیف مجازات نخواهد بود"

ماده ۱۱ اساسنامه دیوان نیز که این نهاد را مسؤول رسیدگی به جرایم اشخاص حقیقی می داند، عنوان می دارد که شخص مورد نظر می بایستی دارای مشخصه های ذیل باشد:

الف - شخص باید حقیقی باشد نه شخص حقوقی.

ب - اشخاص در زمان ارتکاب جرم باید بیشتر از ۱۸ سال داشته باشند. بنابراین این اشخاص زیر ۱۸ سال در صورت امکان توسط دادگاه‌های داخلی و بر اساس قوانین ملی محاکمه می‌گردند.

ج - یکی از جرایم مشروحه در مواد ۶ و ۷ و ۸ را مرتکب شده باشند. به عبارت دیگر دارای مسئولیت کیفری باشد.

البته ملاحظاتی در خصوص صلاحیت شخصی دیوان به شرح ذیل وجود دارد :

(۱) اگر شخصی در زمان ارتکاب جرم مبتلا به نوعی بیماری یا اختلال روانی یا بطور کلی فاقد اراده بوده مسئولیت ندارد.

(۲) اگر شخصی جرم را مرتکب نشده باشد لکن ارتکاب جرم مذکور را دستور داده یا تشویق به انجام آن نیز کرده باشد مجرم است.

(۳) اگر شخصی در ارتکاب جرم از هر نوع مساعدتی برای ارتکاب جرم یا تلاش برای ارتکاب جرم دریغ ننموده باشد، نیز مجرم است.

(۴) سمت رسمی افراد متهم تاثیری در صلاحیت ندارد. بنابراین هر گونه مصونیت چه براساس حقوق داخلی و چه بر اساس حقوق بین‌الملل به مقامات اعطا شده باشد مانع از رسیدگی نمی‌باشند این مساله قبلاً نیز در اساسنامه دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی و رواندا نیز آمده است.. شاید بتوان گفت ماده مذکور که مصونیت مقامات مانع از رسیدگی نمی‌داند در واقع اوج تحدید حاکمیت دولتها باشد چرا که در گذشته مصونیت مقامات دولتی از مصادیق بارز حاکمیت بوده است.

(۵) فرماندهان نظامی یا شخصی که وظایف فرماندهی نظامی را انجام می‌دهند نسبت به جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است و حسب مورد توسط نیروهایی که تحت فرماندهی و کنترل موثر او یا تحت اقتدار و کنترل موثر او ارتکاب

با توجه به مطالب مطرح شده در مورد قضیه رئیس جمهور سودان می توان گفت که تلاش دادستان دیوان کیفری بین المللی برای صدور حکم بازداشت و محاکمه آقای عمر البشر به دلایل زیر با اشکالاتی مواجه است که صحت روایی آن را زیر سؤال می برد:

**اول:** موارد ذکر شده در بالا، در خصوص مقاماتی رسمی است که مرتکب اقداماتی شده اند که مشمول قرار گرفتن در صلاحیت جهانی برای رسیدگی در یک دادگاه صالحه می باشند، در حالی که این موارد قابل استناد به آقای عمر البشیر رئیس جمهور سودان نمی باشند. در حقیقت، تنها ایالات متحده آمریکا مدعی نسل کشی، جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی شده و تا کنون تلاش نموده است تا از زمان آغاز بحران دارفور با طرح این مسایل از آن به عنوان حربه ای علیه دولت سودان استفاده نماید در حالی که کشورهای اروپایی این ادعاها را قبول ندارند. حتی شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه های خود از جمله آخرین آن یعنی قطعنامه شماره ۱۸۲۸ در ۳۱ جولای ۲۰۰۸ میلادی از بکار بردن عباراتی همچون نسل کشی، جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی خودداری نموده است که این خود نشان از اشکال در طرح دادخواست دادستان دیوان کیفری بین المللی مبتنی بر موارد مزبور دارد.

**دوم:** اگر هم چنین جرایمی در بحران دارفور رخ داده باشد - که رخ نداده است - نمی توان آن را دستور مستقیم رئیس جمهور سودان برای این امر تلقی نمود. چرا در درجه اول فرض اصلی بر این است که دولت سودان به عنوان یک دولت کشور اسلامی دست به چنین اقداماتی نمی زند و در درجه دوم در تمامی جنگها و بحرانهای داخلی اتفاقاتی رخ می دهد که ناشی از ماهیت آن درگیری بوده و لزوماً دستور مقام یا فرد

**سوم:** براساس سابقه موجود از زمان تشکیل دیوان کیفری تا کنون این واقعیت تلخ نشان از این مساله دارد که این نهاد قضایی بین‌المللی تبدیل به یک دادگاه اروپایی برای تمرکز بر مسایل قاره آفریقا شده است. چنانکه «لوییس آربور» پیش‌بینی می‌کرد تا کنون دیوان، به محکمه عالی کشورهای توسعه نیافته و «ناتوان» (States Failed) تبدیل شده است. مخالفان دیوان نیز حق دارند بگویند که آمریکا و کشورهای غربی از این دیوان، استفاده ابزاری می‌کنند. آنها حق دارند بپرسند که چرا شورای امنیت، تحقیق درباره جنایات علیه بشریت در گوآتنامو و ابو غریب را به دیوان نمی‌سپارد؟

**چهارم:** دیوان اعتراف کرده است قصد داشته هوپیمای حامل وزیر امور بشر دوستانه را در راه مکه به یکی از کشورهای عضو دیوان منحرف نماید و وی را پشت میز محاکمه بنشاند. آیا بی‌قانونی مأمور اجرای قانون برای اجرای قانون، قانوناً یا اخلاقاً قابل قبول است؟

**پنجم:** اگر آقای عمر البشیر واقعاً در این کشتارها مقصر باشد - که نیست - چرا دادگاه جنایی بین‌المللی از خیل جنایت کاران جنگی، وی را انتخاب کرده است؟ تلفات در دارفور یک سوم تعداد عراقی‌هایی است که در نتیجه تهاجم بوش قربانی شده‌اند. علاوه بر این، نزاع‌های سودان - اگر تحریک‌های خارجی را در نظر نگیریم - برخوردارهایی داخلی است، در حالی که تهاجم بوش به دو کشور خارجی - عراق و افغانستان - طبق معیارهای جهانی از جمله ضوابط دادگاه نورنبرگ جنایت جنگی است. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در ۱۰ فوریه ۲۰۰۶ میلادی با انتشار بیانیه‌ای موضع خود را در قبال بحران عراق آشکار ساخت. وی در این بیانیه نتیجه‌گیری کرده است که زمینه‌های مستدلی وجود دارد که می‌توان گفت جرایمی که در حوزه صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد، در کشور عراق اتفاق افتاده است. اما این مساله شرایط

**ششم:** ایالات متحده آمریکا عضو دیوان نمی باشد و تلاش نموده است تا با اعمال صلاحیت دیوان بر اتباع آمریکایی مخالفت کند که در همین راستا در ۲۳ و ۲۴ جولای سال ۲۰۰۲ میلادی قانون دفاع از نظامیان آمریکا<sup>24</sup> توسط سنای آمریکا تصویب شد. در آگوست سال ۲۰۰۲ میلادی نیز کشور رومانی به عنوان اولین کشور قرارداد موسوم به قراردادهای ماده (۲) ۹۸ اساسنامه رم را با آمریکا امضا نمود که تسلیم اتباع آمریکا به دیوان را ممنوع می کند. علاوه بر این، در سپتامبر سال ۲۰۰۲ میلادی دولت بوش سیاست استراتژی امنیت ملی خود را در خصوص دیوان کیفری بین المللی منتشر نمود که اعلام می دارد: « ما دست به هر اقدام ضروری خواهیم زد که تضمین نماید که تلاش‌های ما برای نیل به تعهدات امنیت جهانی و دفاع از اتباع آمریکا با احتمالات تعقیب و بازجویی و تحقیق دیوان کیفری بین‌المللی که صلاحیت آن شامل حال آمریکایی‌ها نبوده و ما آنرا قبول نداریم، تخریب نگردد ما با سایر کشورها تلاش خواهیم کرد که مانع هر گونه پیچیدگی در عملیات نظامی خود و یا همکاریهای نظامی گردیم که این امر مهم بوسیله مکانیزمهایی نظیر قراردادهای چند جانبه و دو جانبه که اتباع آمریکا را از دیوان حفاظت می نماید خواهد بود. ما به طور کامل قانون دفاع از نظامیان آمریکایی را اجرا خواهیم نمود که قواعد آن به قصد تضمین و افزایش دفاع از پرسنل و

---

<sup>24</sup> -ASPA

دیوان کیفری بین‌المللی علیرغم تلاش برای اقدام در رسیدگی به موضوعات مطرح شده براساس موازین و مقررات موجود در اساسنامه رم، عملاً تبدیل به دستاویزی برای کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا جهت تسهیل زمینه‌های رسیدن به اهداف بلند مدت آن در کشور سودان که همان تجزیه نمودن این کشور می باشد، شده است. از طرف دیگر، می توان ردپای رژیم صهیونیستی متحد منطقه ای آمریکا را نیز در این بحران مشاهده کرد. آقای ماجد سوار جانشین دبیرکل حزب کنگره ملی سودان (حزب حاکم) فاش کرد که تصمیم اخیر دادگاه کیفری لاهه علیه رییس جمهور سودان در واقع به نوعی مجازات خارطوم به دلیل رد درخواست عادی سازی با رژیم صهیونیستی است. سوار با اعلام این مطلب در گفتگو با روزنامه عربستانی عکاظ افزود: تحرکات اخیر دادگاه کیفری لاهه بر ضد سودان در چارچوب فشار بر خارطوم جهت عقب نشینی از موضع مخالف با عادی سازی روابط با اسرائیل پیش از بازگرداندن اراضی اشغالی عربی صورت گرفته است. جانشین دبیرکل حزب حاکم سودان گفت: ما از مدتها پیش تحت فشار غرب برای شناسایی رژیم صهیونیستی قرار داشتیم اما هر بار با آن مخالفت کردیم. وی قرار صادره از سوی قاضی دادگاه کیفری لاهه در بازداشت عمر حسن البشیر رییس جمهوری سودان به اتهام ارتکاب به جنایت جنگی را در چارچوب سلسله اقدامات غرب برای به تسلیم واداشتن سودان در برابر تلاشهای مذبوحانه رژیم صهیونیستی در دارفور و کل این کشور دانست.

البته دولت سودان نیز برای مقابله با اقدام دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، ضمن انجام تحرکات دیپلماتیک از طریق برخی نهادهای منطقه ای همانند اتحادیه آفریقا، اتحادیه عرب و جنبش عدم تعهد که نهایتاً به صدور قطعنامه ۱۸۲۸ شورای امنیت در خصوص توجه به تعلیق رسیدگی دیوان برای مدت ۱۲ ماه منجر شد، تلاش نمود با

کشورهای غربی و ایالات متحده آمریکا اهداف ذیل را از طرح موضوع رسیدگی به پرونده دارفور در دیوان کیفری بین المللی و صدور حکم بازداشت رئیس جمهور سودان دنبال می نمایند که بطور اختصار عبارتند از:

۱) امکان سنجی میزان استفاده ابزاری از این نهاد بین المللی برای دنبال نمودن اهداف سیاسی خود در کشورهای در حال توسعه به ویژه در کشورهایی که ضرورت ایجاد می نماید تا آنها تحت فشار مضاعفی در صحنه بین المللی قرار بگیرند همانند سودان؛

۲) بررسی میزان واکنشهای مختلف منطقه ای و بین المللی به ویژه در زمینه صدور حکم بازداشت، احضار در مقابل دادگاه و نهایتاً محاکمه مقامات بلندپایه یک کشور. آقای رنان ویلاسیس دبیر مجمع عمومی دول عضو دیوان کیفری بین المللی و هیواد ابطیحی مشاور هیات رئیسه دیوان کیفری بین المللی در محل دیوان، عنوان

---

۱- برخی از تحلیلگران مسائل سیاسی بر این باورند که صدور هر گونه حکم جلب علیه عمر البشیر ممکن است به توافقنامه صلحی که بین شمال و جنوب در سال ۲۰۰۵ میلادی بعد از بیست و یک سال جنگ داخلی منعقد شد آسیب برساند. به موجب این توافقنامه انتخابات ملی سودان باید در سال ۲۰۰۹ میلادی برگزار شود. پارلمان سودان نیز در ماه جولای ۲۰۰۸ میلادی قانون انتخاباتی جدیدی به تصویب رساند که راه را برای برگزاری انتخابات ملی فراهم خواهد کرد.

- ۳) یافتن راه‌حلهایی برای کاهش واکنش منفی افکار عمومی بین‌المللی در این زمینه و نهایتاً تلاش برای حساسیت‌زدایی از مساله در دراز مدت
- ۴) نهایتاً ارسال این پیام برای روسای دولتهای کشورهای مخالف با سیاستهای کشورهای غربی بدین معنا که امکان پیگرد آنها ولو به شکل صوری در این محکمه بین‌المللی وجود دارد که کمترین اثر آن در عرصه بین‌المللی، خدشه دار ساختن تصویر آن کشور در نزد سایر دولتها که خود این امر در دراز مدت می‌تواند مخاطرات داخلی و بین‌المللی را برای کشور هدف به دنبال داشته باشد. البته در صورت رویه شدن این امر و مورد پذیرش قرار گرفتن آن در جامعه بین‌المللی می‌تواند موجبات مداخله نظامی را علیه کشور مزبور به دنبال داشته باشد. بطور مثال، در مورد کشور سودان می‌توان این گونه تفسیر نمود که این امر در کوتاه مدت سبب ایجاد بحران بیشتر داخلی آن کشور و منازعات قومی و قبیله‌ای جدی‌تر شده و در میان مدت نیز موضوع روند فروپاشی آن کشور (جدا شدن جنوب از شمال و تجزیه دارفور از سرزمین اصلی) را که هدف کشورهای غربی می‌باشد، تسریع خواهد کرد.
- در واقع می‌توان عدم مقاومت کشورهای اصلی عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد (به جز موضع ممتنع ایالات متحده آمریکا) را در هنگام تصویب قطعنامه ۱۸۲۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد به ویژه در خصوص بند مرتبط با تعلیق رسیدگی دیوان به قضیه رئیس‌جمهور سودان را در همین راستا تعبیر و تفسیر کرد.

نکته جالب توجه، اقدام کشورهای غربی برای صحنه گذاردن بر اقدام دیوان کیفری بین‌المللی در مورد رئیس‌جمهور سودان و همچنین بی‌مورد قلمداد کردن این انتقاد که تمرکز دیوان فقط بر مسایل آفریقا آنهم به دلیل اینکه قاره ای فقیر و ناتوان است، بود. آنها تلاش نمودند تا با انتشار خبر دستگیری رادوان کارادزیچ سرکرده سابق صربهای بوسنی ضمن ایجاد یک موج خبری برای تحت تاثیر قراردادن واکنشهای آغاز شده به دادخواست دادستان دیوان، آن را با موضوع رئیس‌جمهور سودان ارتباط دهند. این دو مورد ارتباطی با یکدیگر نداشتند، زیرا:

**اول:** دستگیری و تحویل رادوان کارادزیچ یک اقدام سیاسی از قبل هماهنگ شده میان کشورهای اروپایی بود. سرکرده سابق صربهای بوسنی تحت فشار کشورهای هلند و بلژیک و بر اساس توافقات موجود میان اتحادیه اروپا و صربستان که در ماه آوریل ۲۰۰۸ میلادی به امضا رسید، بازداشت و تحویل مقامات قضایی گردید. علت این امر، تلاش صربستان برای پیوستن به اتحادیه اروپا بود که در همین راستا وزیر امور خارجه این کشور اعلام می‌کند که صربستان با دادگاه کیفری بین‌المللی همکاری می‌کند تا شرایط ورود این کشور به اتحادیه اروپا تسهیل شود. در واقع، دستگیری کارادزیچ ده روز پس از تشکیل کابینه جدید صربستان و اظهارات وزیر امور خارجه این کشور نشان از دلایل سیاسی موجود در این زمینه دارد.

**دوم:** در مسئله کارادزیچ دادگاه کیفری بین‌المللی از یوگسلاوی سابق خواست تا شمار زیادی از ژنرال‌های صرب و به ویژه کارادزیچ را بازداشت کند ولی یوگسلاوی سابق همکاری نکرد و در آن زمان شورای امنیت و دادگاه کیفری بین‌المللی نیز صورت ندادند. اما در قضیه رئیس‌جمهور سودان شورای امنیت سازمان ملل متحد طی قطعنامه ای پرونده دارفور را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داد.

**سوم:** دستگیری کارادزیچ در راستای حکم صادره دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق بوده است و ربطی به عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی دائمی ندارد.

**چهارم:** تلاش دیوان برای صدور حکم بازداشت برای فردی است که همچنان دارای مسئولیت می باشد در حالی که در قضیه سرکرده صربهای بوسنی، فرد مذکور هیچگونه مسئولیتی را دارا نمی باشد و همانند یک فرد عادی زندگی می کرده است. در حقیقت، دو موضوع کارادزیچ و عمر البشیر از لحاظ ماهوی با یکدیگر تفاوت دارند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ۱۸۲۸ مورخ ۳۱ جولای ۲۰۰۸ میلادی، بنا به درخواست اتحادیه آفریقا بطور موقت رسیدگی به پرونده آقای عمر البشیر را به حالت تعلیق درآورد. البته برخی دولتهای غربی با اشاره به بند ۱۷ این قطعنامه که اشعار می دارد دبیرکل موظف است ظرف ۶۰ روز از صدور این قطعنامه، گزارشی از روند تحولات سیاسی، وضعیت امنیت و بشردوستانه و همچنین پایبندی طرفهای درگیر را به تعهدات بین‌المللی اشان تهیه و به شورا ارائه دهد، اظهار می کنند که رسیدگی به پرونده رئیس دولت سودان به حالت تعلیق درآمده است. اما به نظر می رسد که دولت سودان با جدی گرفتن خطر موجود در تلاش است براساس صلاحیت تکمیلی دیوان، تا با انجام برخی اقدامات قضایی در بحران دارفور و احتمالاً محاکمه برخی افراد در دادگاه های داخلی، عملاً موضوع رسیدگی جرایم توسط دیوان را غیر ممکن سازد. در صورت موفقیت دولت سودان در این خصوص، می توان امیدوار بود که قضیه فعلی این کشور از دستورکار دیوان کیفری بین‌المللی خارج شود.

**منابع :**

- ۱) شریعت باقری، محمد جواد، حقوق کیفری بین‌المللی، تهران: نشر جنگل، ۱۳۸۴
- ۲) دیهیم، علیرضا، "در آمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی (در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)"، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
- ۳) ابراهیمی، سید نصرالله، درآمدی بر تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی و ارزیابی اساسنامه‌ی آن، فصلنامه‌ی مجله‌ی حقوقی، شماره‌ی ۲۳
- ۴) سول، ژان مارک، "دیوان کیفری بین‌المللی"، ترجمه معصومه سیف افجه، فصلنامه سیاست خارجی شماره ۳، پائیز ۱۳۸۰.
- ۵) موسوی، علی، "نگاهی به دیوان کیفری بین‌المللی"، ماهنامه ۱۵۲ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۶) مجلسی، پوراندخت، "مماشات با جنایتکاران واقعی در لاهه"، روزنامه ایران، دوشنبه ۱۴ مردادماه ۱۳۸۷ مطابق ۴ آگوست ۲۰۰۸ میلادی
- ۷) خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مورخ ۸۷/۵/۱
- ۸) خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۸۷/۵/۲
- ۹) خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مورخ ۸۷/۵/۶
- ۱۰) خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مورخ ۸۷/۵/۸
- ۱۱) خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مورخ ۸۷/۵/۱۰
- ۱۲) خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مورخ ۸۷/۵/۱۱
- ۱۳) خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۸۷/۵/۱۳
- ۱۴) خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۹
- 15).Heard, Linda S. "ICC becomes Africa's Court", Tehran Times Newspaper, 30<sup>th</sup> year, No.10371, Wednesday, July 23, 2008
- 16) S/RES/1556, 30 June 2004
- 17) S/RES/1564, 19 September 2004

- 18) S/RES/1591, 29 march 2005
- 19) S/RES/1593, 1 April 2005
- 20) S/RES/1706, 31 August 2006
- 21) S/RES/1828, 31 July 2008
- 22) <http://www.icc-cpi.int>
- 23) <http://en.wikipedia.org>
- 24) <http://www.icc-cpi.int/press/pressreleases/248.html>
- 25) [http://www.icc-cpi.int/library/press/pressreleases/ICC-OTP-BN-20070522-220\\_A\\_EN.pdf](http://www.icc-cpi.int/library/press/pressreleases/ICC-OTP-BN-20070522-220_A_EN.pdf)
- 26) <http://www.icc-cpi.int/press/pressreleases/406.html>
- 27) <http://www.icc-cpi.int/ICC-OTP-Summary-20081704-ENG>
- 28) <http://www.shahabnews.com/vdcd.s0k2yt0xxa26y.txt>
- 29) <http://internationallaw.blogfa.com/post-328.aspx>
- 30) <http://humanrights-greenlaw.blogfa.com/post-116.aspx>
- 31) <http://www.dw-world.de/dw/article/0,2144,3489051,00.html>
- 32) <http://www.iranianembassy.nl/divan2.html>
- 33) <http://humanrights-greenlaw.blogfa.com/post-116.aspx>
- 34) <http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1163510,1387/04/23>
- 35) <http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1163510,1387/04/23>
- 36) <http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1165288.1387/04/28>
- 37) <http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1167085,1387/04/31>
- 38) <http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1167721.1387/05/01>
- 39) <http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1169939,1387/05/05>
- 40) [http://www.qodsna.com/NewsContent-id\\_11061.aspx](http://www.qodsna.com/NewsContent-id_11061.aspx), 1387/05/08
- 41) <http://www.parsnewz.com/6921.html>